

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۳۷ هـ.ق - ده شب در مدینه)

۲۸ مهر ۹۴

خطبه‌ی شب ششم

به نام الله آن پروردگار یگانه‌ای که جان آدمیان را به لقای خود فرمان داد تا آنگاه که قدم بر هستی گذاشتند و زندگی را با نام اشرف مخلوقات آغاز کردند، شرافتشان را در عشق به خالقشان بیازمایند. که بودند و از کجا آمدند؟ جانشان حاصل کدام لقاء است؟ لقاء ظاهری یا لقاء باطنی؟ اگر فطرتی در لقاء ندارند پس کی هستند؟ در تمام آفرینش زاد و ولد طبق فرمان طبیعت جان‌ها به انجام می‌رسد ولی جان آدمیان به لقای گران‌بها تر فرمان داده شده است. پروردگارش او را ستوده و در آفرینشش فرموده: تبارک الله احسن الخالقین. افسوس گنجینه‌ای این‌چنین گران‌بها در نفس شیطانی اسیر می‌شود و او لباس تنش را که لباس عزتش بود از جانش جدا می‌کند، برهنه و رسوا در محشر گرفتار می‌شود. هم‌نشین کرداری شیطانی که مانند پوست روی استخوان به جانش چسبیده است؛ پروردگار می‌فرماید: از من دورش کنید تا صدایی از او شنیده نشود، از گنجینه‌اش جز آتشی که جانش را می‌سوزاند هیچ نمانده، ای وای بر واحسرتای صحرای قیامت که سخت‌ترین مجازات‌هاست. خاندان نبوت برای هدایت این سیه‌روزان جانشان را که در لقای پروردگارش بود خالصانه ایثار کردند، به آغوش پروردگارش بازگشتند، در پرتو محبتش به وعده‌های قرآن کریم رسیدند.

سرور و مولایمان آخرین یادگار پیامبرمان امام عصر و زمان ابوالصالح المهدی (عج) چه زیبا تفسیر نمودند عزت عطایی پروردگار به آدمی را و چگونگی از دست دادن این عزت که موجب اسیر شدن در بند شیطان و نفس و موجب عدم رضایت پروردگار شده و در روز قیامت خداوند این بنده گنه‌کار را جزء بندگان به حساب نیاورده و از خود دورش می‌کند.

روز قیامت یکی از نعمت‌های پروردگار حکیم و روز برپا شدن کرسی قضاوت است. روز قیامت تفسیر کننده‌ی آفرینش و معنی کننده‌ی زندگی دنیاست زیرا خداوند کریم

عمر و مرگ را بر همه‌ی انسان‌ها چه آنانی که زندگی خود را با ایمان و تقوا و پاکیزگی و انصاف و مروت به هم نوع خود به پایان می‌رسانند و چه آنانی که در تمام عمر با کفر و فساد و ظلم و جنایت زندگی کرده مقرر فرموده، بدون اینکه از اولی‌قدردانی و به او پاداش داده شود و دومی را به مجازات برساند.

پس روز قیامت حکمت و نعمت است که بارها خداوند رحمان در قرآن کریم از عظمت، عذاب و آسایش آن صحبت فرموده تا آدمی خود را برای آن روز آماده کند پس آنانی که خود را مسلمان می‌نامند مخصوصاً دشمنان اهل‌بیت که وجود پلیدشان به فساد و نفاق و ظلم و جنایت آلوده است نه تنها به پیامبر خاتم حضرت محمد (ص) و قرآن ایمان ندارند بلکه توحیدشان هم فقط لقلقه‌ی زبان است.

پس با شنیدن خطابه‌های شب‌های محرم باید گفت جان عالم به فدای قلب نازنین مولایمان امیر مؤمنان علی (ع) که با دیدن این غافلان و دوستانی که در عملشان اخلاص نیست در تمام عمر در غربت و غمی بزرگ زندگی کردند، با شنیدن غریبی مولا حتی در میان امتش، قلب ما را نیز در غم و اندوه قرار می‌گیرد پس برای تسکین این درد باید از وجود مبارک فرزند گرامی‌شان امام عصر و زمان ابوالصالح المهدی (عج) مدد بگیریم درحالی‌که باید باور کنیم که قلب نازنین ایشان نیز همچون پدر گرامی‌شان امیر مؤمنان از امت مسلمان غصه‌دار است ولی با این وجود امام عصرمان را به مدد می‌خوانیم تا دست ناتوانان را همچون پدرانشان در دست قوی امامت بگیرند و ما را در پیمودن راه تقوا و اخلاص و نجات مدد فرمایند.

حال به اذن الله و به اذن رسول الله و به اذن مولانا صاحب الزمان (عج) خطبه‌ی امشب را قرائت می‌کنیم.

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### خطبه‌ی شب ششم

سلام بر نام ستودنی الله که خود را مالک روز قیامت خواند و به همه‌ی بندگان فرمان داد تا به صحرائی ایمان بیاورند که همواره نامش را به‌عنوان اتمام حجت

شنیده‌اند و قرآن کریم حضور در آن را کاملاً فاش فرموده. در آیات بسیاری از مستی صحبت به میان آمده. آنان که از دنیا مست بوده‌اند اینک در بانگ حق به طرفش می‌روند. همه چیز را رها کرده‌اند؛ حتی شیرخواره را؛ همان شیرخواره‌ای که عمری جانش را مکیده و او نتوانسته تا از خود جدا کند؛ اینک آنچه در شکم دارد را رها می‌کند. این چه دعوتی است که قبرها را به لرزه درآورده، خاکش را زیر و رو نموده و مرده‌ی در گور خفته را به زندگی مجدد دعوت نموده؟ نامش محشر است محشری که زن و مرد نمی‌شناسد، قوم و قبیله در آن معنایی ندارد فقط حرکت است؛ همگان در حال رفتن به سویش می‌باشند. عده‌ای انتظارشان تمام شده و به هدفشان که عمری برایش زحمت کشیده‌اند می‌رسند پس به سویش می‌دوند. عده‌ای با شک و تردید در حرکت‌اند. عده‌ای با توبه و گریه منتظر بخشش گناهانشان به دعوت حق لبیک گفته‌اند. همه می‌روند تا در صحرائی جمع شوند که تمام وعده‌های الهی منتظرشان است. آنگاه که برای اولین بار محبت و رحمت خالقشان را درک می‌کردند به ندایی که فرموده بود: آیا من پروردگارتان هستم؟ همگی قالو بلی گفته بودند. چه شیرین بود آن لحظه که تمام مخلوقات سر اطاعت بر آستان ربوبیتش خم کردند و آنچه در ضمیرشان شکل گرفت را با خود همراه نمودند؛ با آن تعهد به زمین مهاجرت کردند. چه کوچ سختی، خانه و کاشانه و ثروتشان را از آنان گرفتند و به جایش دفتری دادند تا صفحاتش را با نقشی که خود برگزیده پر کند و او قلم جانش را با هر آنچه که خود پسندیده بود به حرکت درآورد و آن امانت عظیم را نگاشت. چه روزگاری است! هنوز صدای مطهر پیامبر (ص) از نسل یارانش در فضا شنیده می‌شود که: ای امتم، من معجزه‌ای را برایتان آوردم که حیات ابدی را به شما هدیه می‌دهد. ولی آن ندا در جان دنیاپرستان گم شد؛ برای چند صباحی که در این دنیا به ظاهر زنده‌اند یکدیگر را دریدند؛ وای بر احوالشان آنگاه که حق آشکار می‌شود. سپاهی که برای برقراری حق عازم جنگ شده بود با هزار نیرنگ به خانه باز می‌گردد تا فتنه‌ای را بیافریند که هزاران سال در صفحه‌ی تاریخ خواهد درخشید.

شب فرا می‌رسد و باز سکوت، همدم همیشگی مولا بر صحرا خودنمایی می‌کند. امام حسن (ع) سؤال می‌فرماید: پدر، حدیثی از جدم رسول خدا (ص) که راجع به احوال

کنونی ماست برایتان بگویم؟ مولا می‌فرمایند: بله. امام می‌گوید: شبی در آغوش پیامبر به خواب رفته بودم. در خواب، آسمان را به دو نیمه مشاهده کردم؛ نیمی را در دست گرفته بودم و نیم دیگر را حضرت جبرئیل امین (ع) بر شانه‌ی خویش حفظ کرده بود. سؤال کردم: زمین و آسمان به خاندان رسالت سپرده شده پس آن نیم دیگر را نیز به دستم بده. حضرت جبرئیل (ع) به برادرم حسین اشاره کردند و فرمودند: آن نیم دیگر به او تعلق دارد. از خواب برخاستم و آن را برای جدم بازگو کردم. سر مرا بر سینه‌ی مبارکشان گذاشتند و فرمودند: دشمنان به ظاهر دوست، آسمان ولایت را به خود اختصاص خواهند داد و به جای فرزندان من به دین حکومت می‌کنند. آنچه میراث شماست را به یغما می‌برند و مردمان را بر علیه شما می‌شورانند و کار را به جایی می‌رسانند که آیات قرآن کریم را که خاندان مرا از پلیدی پاک نموده به خود اختصاص داده و پدرت علی را از حقش محروم و همگی فرزندانم را به شهادت خواهند رساند. از دامن پیامبر به طرف مادرم زهرا (س) دویدم و ساعت‌ها صورتم را در دامن پر مهرش پنهان کردم و اینک تمام آن غم‌ها را در چهره‌ی مبارکتان می‌بینم. امیر مؤمنان (ع) دست‌های مبارکشان را بر شانه‌ی امام می‌گذارند و با تبسمی می‌فرمایند: خوابیدن در آغوش پیامبر عواقبی این‌چنینی را هم به دنبال دارد. آنچه تو را ترسانده عاقبت این امت است که به امر پروردگارشان که خاندان نبوت را همان قرآن معرفی فرموده به دیده‌ی تمسخر نگریستند و خود را از این معجزه‌ی بی‌همتای محروم کردند پس نسل در نسل به دنیا خواهند آمد و با همان جهل خواهند مرد تا زمان، یادشان را از صفحه‌ی روزگار بشوید و آنچه از خاندان رسالت در زمان باقی بماند اراده‌ی پروردگار باشد که خود فرمود «بقیة الله خیر لکم إن کنتم مؤمنین» پس با زبان شیرینت آن را به آیندگان هدیه کن و نامش را بخوان:

**اللهم عجل لولیک الفرج**